

مفهوم شناسی

مفهوم «انقلاب» به معنای دگرگونی، تحول و تغییر آمده است که امروزه هرچند برای خیزش‌های شدید و ناگهانی در مسائلی مانند انقلاب صنعتی، سیاسی، علمی و فرهنگی کاربرد دارد، ولی بیشتر به تغییر اساسی و عمیق در زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و تغییر نظام حاکم گفته می‌شود. انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب‌های اجتماعی است و این واژه، اصطلاحی برای قیام ملت ایران علیه رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی است که ازسوی سبب تغییر در اساس و نوع حکومت شد و ازسوی دیگر، در ایدئولوژی غالب و رسمی کشور و خط مشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بغداد داخلی و خارجی دگرگونی ایجاد کرد.

سابقه

مهم‌ترین حرکت‌های تحول آفرین بشری و دگرگونی‌های فکری و اجتماعی را پیامبران خدا(ع)، رقم زدند. پیامبر اکرم(ص)، بزرگ‌ترین حرکت اعتقادی و اجتماعی را با آوردن اسلام رهبری کرد و در جامعه جاهلی زمان خود، تغییرات گسترده‌ای را به انجام رساند. امیرالمؤمنین علی(ع)، در سال ۲۵ هجری و پس از بازگشت جامعه اسلامی به ارزش‌های جاهلی، مهم‌ترین انقلاب را رهبری کرد و یکی از نخستین خطبه‌های خود در جمع مردم از دگرگونی‌های بزرگ ارزشی و اقتصادی و استقرار عدالت اجتماعی سخن به میان آورد. قیام امامحسین(ع)، علیه یزیدبن معاویه از مهم‌ترین نهضت‌ها بود که با شهادت خود اسلآم را زنده و مردم را به بیداری و مبارزه با ستم دعوت کرد. پس از آن نیز جهان اسلام شاهد حرکت‌های انقلابی و اجتماعی گسترده یا محدود بوده است. ازسوی دیگر، جهان معاصر شاهد انقلاب‌های بزرگی بوده و دگرگونی‌های اجتماعی مهمی را به دنبال آورده است که انقلاب کبیر ۱۷۸۹م/۱۱۶۸ش فرانسه انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷م/۱۲۹۶ش روسیه و انقلاب ضد استعماری ۱۹۴۷م/۱۳۲۶ش هند از آن جمله‌اند. ایران در دو سده اخیر شاهد حرکت‌ها و نهضت‌های مردمی به رهبری روحانیت علیه استعمار و استبداد بوده است. سیدجمال‌الدین اسدآبادی (م۱۳۱۴ق) از نخستین کسانی بود که با تکیه بر هویت اسلامی مردم، فریاد مبارزه با استعمار سر داد و بذر تحولات بعدی را در جامعه پاشید. جنبش تحریم تنباکو به رهبری مرجع تقلید وقت، میرزامحمدحسن شیرازی علیه کمپانی انگلیسی رژی در سال ۱۳۰۹ق/ ۱۲۷۰ش نخستین جنبش بیداری ایرانیان در ۱۵۰ساله اخیر است. نهضت ضد استبدادی مشروطه در سال ۱۳۲۴ق/ ۱۲۸۵ش از نهضت‌های ملی-مذهبی معاصر بود که به تأسیس مجلس شورای ملی برای نخستین بار در ایران انجامید. این جنبش به دلایلی ازجمله ضعف سازماندهی، ضعف رهبری، انذک‌بودن آگاهی مردم و نفوذ بیگانگان در میان انقلابیان، نتوانست به همه اهداف خود دست یابد. نهضت میرزاکوچک‌خان جنگلی در سال‌های ۱۲۹۳–۱۳۰۰، در سواحل دریای خزر علیه استبداد و اشغال ایران، از دیگر جنبش‌های معاصر است که توانست در برهه‌ای حساس و بحرانی از تاریخ ایران دشمنان خارجی و مستبدان داخلی را از رسیدن به برنامه‌های خود بازدارد و پرچم استقلال ایران را برافرازد. قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان در سال ۱۲۹۸، پس از جنگ جهانی اول، با هدف احیای مشروطه و نفی استبداد داخلی و سلطه خارجی از دیگر حرکت‌های اصلاحی بود که در نهایت با شهادت خیابانی در سال ۱۲۹۹ به پایان رسید. همه این حرکت‌ها به رهبری روحانیت انجام گرفت.

نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز تلاشی برای نفی سلطه انگلیس بر نفت ایران و برخی از اهداف دیگر بود. این نهضت به رهبری دکتر محمد مصدق و آیت‌الله سیدالوقاسم کاشانی و آغاز و با اسفند ۱۳۲۹ به برخی از اهداف خود که ملی‌شدن صنعت نفت بود دست یافت. انقلاب اسلامی ایران در ادامه نهضت‌های گذشته و پس از سال‌ها مبارزه مردم ایران به رهبری امام خمینی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. گرچه از نظر ماهیت، گستردگی، اهداف و قیام‌های گذشته تفاوت بنیادی داشت.

زمینه‌ها و عوامل مؤثر در روند انقلاب اسلامی

در دو دهه منتهی به انقلاب اسلامی، ایران از جهت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شرایط ویژه‌ای داشت و امید به دگرگونی آن اندک بود. محمدرضا پهلوی که با حمایت انگلیس و آمریکا بر سر کار آمده بود، با گرایش به فرهنگ غربی به ارزش‌ها و سنت‌ها و آداب اسلامی بی‌اعتنا بود. و اقتصاد و فرهنگ کشور تحت سلطه بیگانگان قرار داشت. سیاست اسلام‌زدایی با شیوه‌های نو دنبال می‌شد. تحمیل مصونیت قضایی آمریکاییان در ایران (کایتولاسیون) مردم ایران را تحقیر کرد. پهلوی با استبداد کشور را اداره می‌کرد و از طریق سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) همه شئون زندگی مردم را زیر نظر داشت و از دهه ۱۳۵۰ به ریشه‌دارترین اصول فرهنگ ایرانی و اسلامی تعرض می‌کرد و فرهنگ کشور به نابودی و شکست کشیده شده بود. فرهنگ مادی، دین و دیانت مردم را به گوشه و کنار برده بود و دین افیون توده‌ها معرفی می‌شد و با توجه به حاکمیت دو تفکر اومانیسیم و ماتریالیسم در جهان چنین القا می‌شد که نظام‌های حکومتی باید به یکی از دو شیوه لیبرال‌دموکراسی یا سوسیال‌دموکراسی باشند و انقلاب نیز باید با تکیه بر این اندیشه رخ دهد. روشنفکران غریب‌زده در ایران، اسلآم را مایه عقب‌ماندگی توده‌ها معرفی می‌کردند. در کنار طبقات حاکم و مرفه که از سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ تشکیل شده بودند، بیشتر مردم در شرایط دشواری زندگی می‌کردند و از

ابتدایی‌ترین وسایل زندگی، بهداشت و آموزش محروم بودند. فساد اداری، سوء مدیریت، بی‌توجهی به بخش کشاورزی و سیل مهاجرت روستاییان به شهرها و صنعت وابسته و مونتاز و نبود تعادل میان بخش‌های مختلف اقتصادی، بحران اقتصادی رژیم پهلوی را افزون کرد. در چنین شرایطی به تعبیر امام خمینی، برگزاری جشنواره‌های رنگارنگ با هزینه‌های گزاف و فسادآور، که در کشورهای دیگر هم سابقه نداشت، سند عقب‌ماندگی کشور و حکومت بود. در عرصه خارجی هم امکانات جهان در دستان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی قرار داشت و رژیم پهلوی را هر دو ابرقدرت تأیید می‌کردند، با این حال، ایران با در اختیارداشتن بزرگ‌ترین نیروی

گروه‌های مذهبی و ملی و گروه‌های سیاسی مذهبی نیز با رژیم پهلوی وارد مبارزه سیاسی و گاه نظامی شدند. هیئت‌های مؤتلفه نهضت آزادی ایران، جبهه ملی، سازمان درچیک‌های فدایی خلق، حزب توده و چندین گروه اسلامی که بعدها به نام مجاهدین انقلاب اسلامی خوانده شدند، از آن جمله بودند. سخنرانی‌ها و تدریس امام خمینی در نجف درباره ولایت فقیه، تدریس و تألیف کتابی به همین نام به قلم ایشان و دفاع از حق فقهای شایسته برای حکومت تحولی فکری در روند انقلاب بود. اندیشه تشکیل حکومت اسلامی براساس ولایت فقیه به عنوان اصلی‌ترین اهداف نهضت مطرح شد.

گذشت مشکوک آیت‌الله سیدمصطفی

انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ها، اهداف و عوامل

پروین سادات قوامی



دریابی و پیشرفته‌ترین نیروی هوایی خاورمیانه نمایندگی امنیتی و ژاندارمی آمریکا در خلیج فارس را بر عهده داشت.

ازسوی دیگر، امام خمینی با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که حذف قید شرط دکورت در انتخاب‌شونده و نیز قید اسلام را از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شودگان و به جای سوگند به قرآن، سوگند به کتاب آسمانی ناگهانی قیام ازجمله قیام خونین ۱۹ دی قم بر ضد حکومت پهلوی شد. تظاهرات مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۵۶ در چهلم شهدای قم و حرکت مردم یزد در چهلم شهدای تبریز و اشتباه رژیم در جمع زیادی از مردم کشته شدند، مبدأ انقلاب اسلامی شد و پایگاه اجتماعی رژیم پهلوی را

ازسوی دیگر، برگزاری نماز باشکوه عید فطر در ۱۳ شهریور سال ۱۳۵۷ در قطریه به امامت آیت‌الله محمد مفتح از یاران امام خمینی، قدرت مردم را در مقابل استبداد به نمایش گذاشت. با اعلام حکومت‌نظامی در صبح ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

در تهران و دوازده شهر بزرگ کشور و تجمع اعتراض‌آمیز مردم تهران در میدان ژاله (شهدا) خونین‌ترین روز انقلاب رقم خورد و راهی برای بقای رژیم پهلوی و سلطنت محمدرضا پهلوی به جای نگذاشت. در نهایت راهپیمایی بزرگ تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ آغازی برای خودباوری و وحدت مردم شد و خون تازه‌ای در رگ‌های انقلاب دمید. با توافق رژیم ایران و عراق برای جلوگیری از فعالیت‌های امام خمینی و هجرت ایشان به فرانسه، زمینه پوشش خبری انقلاب در سطح جهان مهیا شد. و اعتصاب‌های سراسری علیه رژیم پهلوی که از پایان تابستان آغاز شده بود، انقلاب را وارد مرحله جدیدی کرد، چنان‌که پخش پاره‌ای از جزئیات حوادث ایران در بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی، در عمومی‌شدن انقلاب و رسیدن پیام آن به سراسر کشور مؤثر بود.

محمدرضا پهلوی با ادامه تظاهرات و تحصن عمومی، شورای سلطنت را تشکیل داد و در ۲۶ دی ۱۳۵۷ ایران را ترک کرد. و موجی از شادی برای ایران به ارمغان آورد. در روز بعد، امام خمینی در پاریس، تشکیل شورای انقلاب را اعلام کرد. ایشان در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از چهارده سال در میان استقبال میلبونی مردم به میهن بازگشت و بر امید و توان مردم برای پیروزی افزود. دولت موقت به ریاست مهدی بازرگان در روز ۱۶ بهمن به دستور امام خمینی تشکیل شد و کارکنان رژیم پهلوی با دولت بازرگان اعلام همبستگی کردند. نیروهای ویژه پهلوی امام خمینی در روز ۱۹ بهمن و انعکاس گسترده آن در جامعه، بر وحشت رژیم پهلوی افزود. رژیم پهلوی با هدف کودتای نظامی، در ۲۱ بهمن حکومت‌نظامی اعلام کرد که مردم به فرمان امام خمینی بدان اعتنا نکنند. نیروهای ویژه پهلوی برای سرکوب همافران، پادگان آنان را محاصره کردند که مردم شبانه به کمک آنان شتافتند و در شب و روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مراکز امنیتی و تبلیغاتی رژیم به تصرف مردم درآمد. در روز ۲۲ بهمن ارتش اعلام بی‌طرفی کرد و بعد از ظهر

این روز، انقلاب اسلامی با تسلیم‌شدن مراکز نظامی و تصرف رادیو به پیروزی رسید.

اهداف انقلاب اسلامی

نخستین گام در مبارزه تعیین هدف یا اهداف آن است. از نگاه امام خمینی مهم‌ترین هدف شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، اسلام و تعالیم آن بود. تلاش مردم نیز برای حاکمیت دین بود. بر همین اساس امام خمینی راه خود را راه انبیا(ع)، و استقرار حکومت خدا شمرد. ایشان ترویج اخلاق و آداب اسلامی، برقراری عدالت، تربیت نسل آینده و اصلاح فرهنگ، تحقق ارزش‌های اسلامی، انسانی و خارج‌کردن مردم از اسارت نفس و مبارزه با فساد و فحشا و فساد اداری را از دیگر اهداف انقلاب اسلامی

روحی و فکری مهم‌ترین عامل برای به صحنه آوردن مردم بود.

از سوی دیگر، فلسفه امامت و تداوم آن در ولایت فقیه به دوران غیبت، از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید و رهبری آن به دست امام خمینی بود و او در لحظات سخت و دشوار آن را رهبری کرد و از تنگناها گذراند و انقلاب اسلامی بدون نام امام خمینی در هیچ‌جای جهان شناخته‌شده نیست. در این راستا افزون بر ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی همچون صداقت، صراحت، شجاعت، سازش‌ناپذیری، ارجان‌گذاشتگی، صلابت و قاطعیت، عشق به اسلام، مقام عرفانی، وارستگی، علم و دانش، قفاقت و سادگی معنادار در زندگی شخصی، جامعیت امام خمینی و جایگاه ایشان که مرجع تقلید بود، در محبوبیت و نفوذ معنوی ایشان، در توده‌ها تأثیر فراوان گذاشت. برخلاف انقلاب‌های دیگر که غالباً سیاست‌مدارانی حرفه‌ای در جایگاه رهبری قرار می‌گیرند، امام خمینی با برخورداری از همه ویژگی‌های مورد نیاز رهبری دینی به‌طور طبیعی و خودجوش در رأس این نهضت قرار گرفت و پس از اثبات حقانیت مکتب سیاسی خود، توانست مردم را آرام‌آرام وارد میدان مبارزه کند. ایشان افزون بر بیان اندیشه دینی و چشم‌انداز آینده و نقد افکار و رفتار کارگزاران پهلوی و پشتیبانان وی روحانیت را سازماندهی کرد و دیگر گروه‌های انقلابی را زیر چتر آنان گرد آورد و مردم را برای مبارزه با رژیم پهلوی بسیج کرد.

انقلاب اسلامی ایران حرکتی بود مردمی و مردم‌گرا و عملاً همه اقشار مردم ایران شامل روحانیان، بازاریان، پیشه‌وران، روشنفکران، کارگران و طبقه حاشیه‌نشین شهری، زنان و اقلیت‌های قومی و نژادی در آن شرکت و به آن کمک کردند و از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران بودند. نقش توده‌های پابرهنگه در پیروزی انقلاب و مقابله با رژیم پهلوی ممتاز بود. انقلاب به دست محرومان انجام شد و همه توده‌های شهری و طبقه متوسط نقش عمده‌ای در پیروزی آن ایفا کردند. روشنفکران مذهبی که آغازگر بیداری و منادی بازگشت به هویت فرهنگی ایران بودند، در ایجاد آگاهی، همبستگی و سازماندهی انقلاب نقش فعالی داشتند، افزون بر مردان، حضور زنان در همه مراحل انقلاب حضوری زنده، نیرومند و قوی بود. امام خمینی حضور و نقش ممتاز زنان در صحنه‌های انقلاب اسلامی را بالاتر از مردان و شایسته تقدیر فراوان خواند، چنان‌که پیوستن نیروهای نظامی و ارتش به مردم را از دلایل مؤثر پیروزی شمرد و در یک کلمه رمز این پیروزی را وحدت کلمه میان همه اقشار مردم دانست.

ازسوی دیگر، در راستای عوامل یادشده، امدادهای خاوند مهم‌ترین عامل ایجاد تحول روحی و ایجاد اقلیت میان مردم و پیروزی بود. سازماندهی مردم بر عهده نهادهای مذهبی بود. مسجدها نخستین خاستگاه انقلابیان و حلقه‌های ارتباط میان رهبری انقلاب و مردم بودند و توانستند با بسیج گسترده مردم در مخالفت با رژیم نقش‌آفرین باشند. روحانیان از جلوداران انقلاب بودند و پیوند استوار مردم و روحانیان بر موفقیت آنان می‌افزود. روحانیان افزون بر تبلیغ و هدایتگری، به دلیل استقلال اقتصادی از دولت، با استفاده از امکانات مادی حاصل از صندوق‌های قرض‌الحسنه و وجوهای شرعی، نهضت را از نظر مالی تغذیه می‌کردند. پس از پیروزی نیز رهبری سازنده امام خمینی و حمایت مردم و ایجاد نهادهای انقلاب مانند کمیته‌های انقلاب اسلامی، ساه سازاران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، دادگاه‌های انقلاب اسلامی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین در پاسداری و تداوم انقلاب نقش آفرین بود.

موانع و مخالفت‌ها
شعار اسلام‌خواهی، استقلال، عدالت‌خواهی، مبارزه با استکبار جهانی و ادعای نجات انسان‌ها، قدرت‌های جهانی و برخی از افراد و گروه‌های داخلی را به مقابله با انقلاب اسلامی واداشت. از آغاز انقلاب فشارها و سرسختی‌های خصمانه و توطئه‌های کینه‌ورزانه استکبار شرق و غرب و اروپا و ارتجاع منطقه با انواع شیوه‌ها و ابزارها علیه انقلاب اسلامی سازماندهی شد و به اجرا درآمد. از نگاه امام خمینی، تمام قدرت‌های کوچک و بزرگ با انقلاب اسلامی مخالف بودند

و در رأس آنان آمریکا قرار داشت. سلطنت‌طلبان و عوامل باقی‌مانده از رژیم پهلوی کمونیست‌های آمریکایی و مدعیان دیدگاه طرفداری از خلق مانند فداییان خلق، حزب دموکرات و کومه احزاب و گروه‌های مخالف حاکمیت دین همچون برخی ملی‌گرایان و گروه‌های غیر مذهبی گروه‌های قدرت‌طلب مردم سازمان مجاهدین خلق کسانی بودند که در برابر انقلاب ایستادند و انتخابات تعیین سرنوشت نظام را تحریم کردند و گاه صندوق‌های رأی را آتش زدند. دشمنان خارجی انقلاب علاوه بر تحریم‌های اقتصادی و توطئه‌های سیاسی و تحریک و حمایت با غائله‌های قومی و جنگ روانی و خدشه در مبانی انقلاب همانند ولایت فقیه و تلازم دین و سیاست و ده‌ها حرکت تخریبی، رژیم بغی عراق را برای تحمیل جنگ با ایران تشویق و حمایت کردند.

رژیم بغی عراق با هدف درهم‌شکستن انقلاب اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با همه توان نظامی به ایران هجوم آورد و این جنگ تا تابستان ۱۳۶۷ به درازا کشید. سرانجام با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ازسوی جمهوری اسلامی ایران، این دو کشور بر سر مذاکره نشستند و بعد یک سازمان ملل، رژیم عراق را متجاوز اعلام کرد. دشمنان انقلاب ازجمله صدام حسین با هجوم به ایران مجال بازسازی و کارهای بزرگ را از ملت ایران گرفتند و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به مردم ایران و عراق وارد کردند.

روحانیت و معترضان مهدی پور حسین

حوادث دی ماه گذشته در خیابان‌های کشور را به جهت گستره و عمق حوادث و نیز پیامدهای ناگوار آن، از جمله ریخته شدن خون هزاران نفر بر کف خیابان، باید یکی از تلخ‌ترین حوادث پس از انقلاب اسلامی به شمار آورد. به لحاظ دینی و وجدانی، تک تک شهروندان ایرانی در برابر این حادثه مسئول هستند و مسئولیت حکومت در برابر آن دوچندان است اما به لحاظ ماهیت فرهنگی آن، مسئولیت روحانیت در برابر آن صدچندان است. در این باره چند نکته حائز اهمیت است که مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. حق اعتراض

انتقاد و اعتراض در جامعه‌ای که حق تعیین سرنوشت شهروندان آن به رسمیت شناخته شده و اساساً مدیران آن جامعه نماینده مردم برای اداره حکومت هستند، یک امر طبیعی و مسلم به شمار می‌رود. علاوه بر آن که در اسلام و آموزه‌های دینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این حق به رسمیت شناخته شده است. براساس اصل ۲۷ قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». بر این اساس، انتقاد و اعتراض، ابزاری برای اصلاح امور است و مردم به عنوان پایه‌های انقلاب اسلامی، حق دارند نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی خود را بیان کنند، البته مشروط بر اینکه در چارچوب قانون و بدون خشونت باشد و تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نیز نشان می‌دهد که اعتراض‌های مشروع، می‌تواند به تغییرات مثبت منجر شود. البته ناگفته نماند که چون این حق دینی و قانونی مسلم مردم در طول دهه‌های گذشته، به علل گوناگون، ازسوی مسئولان حکومتی تاخود زیادی نادیده گرفته شده، به عنوان یک حق شهروندی نهادینه نشده و به یک فرهنگ تبدیل نشده است تا در برابر انحرافات درونی و فشارهای خارجی، مقاومت‌پذیر باشد و به انحراف کشیده نشود.

۲. سوءاستفاده دشمنان

از سوی دیگر، تردیدی نیست که دشمنان نظام اسلامی، از جمله قدرت‌های استکباری و رسانه‌های غربی، همواره به دنبال بهره‌برداری از ناراضی‌های داخلی هستند و از جمله اعتراض‌های مردمی، که ریشه در مشکلات سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی دارد، می‌تواند به ابزاری برای نفوذ و تضعیف وحدت ملی تبدیل شود. البته که این سوءاستفاده‌ها ریشه در دشمنی دیرینه با انقلاب اسلامی دارد و امام خمینی نیز در وصیت‌نامه سیاسی–الهی خود هشدار می‌دهد که «دشمنان اسلام از هر راهی برای نفوذ به کشورهای اسلامی استفاده می‌کنند.» اگر تاکنون تاحدودی دست دشمنی دشمنان در حوادث داخلی ما پنهان بود، ولی در حوادث اخیر کشور، چنان که خود آنان به صراحت اذعان و اعتراف کرده‌اند، بسیار عریان و آشکار وارد شده و چه از طریق رسانه‌ها و چه با حضور میدانی سازماندهی شده، اعتراضات مسالمت آمیز مردم را به آشوب تبدیل کردند و از این طریق، افزون بر خسارت بی‌شمار مادی، مردم ایران را در سود غریزانشان غداران کردند. البته در این باره نیز نمی‌توان کتمان کرد که همان گونه که فرهنگ اعتراضات مسالمت آمیز در میان مردم ما نهادینه نشده، فرهنگ برخورد مسالمت آمیز با معترضان ازسوی حکومت نیز نهادینه نشده است.

۳. وظیفه روحانیت

تردیدی نیست که دشمنان از اعتراضات مردم سوء استفاده کرده و آن را به اغتشاش تبدیل کرده‌اند اما ازسوی دیگر هم نمی‌توان تردید کرد که بسیاری از مردم کوچه و خیابان، به ویژه جوانان کم سن و سال، خشمگین از نابسامانی‌ها هم، با برخی از این اغتشاشات و تخریب‌ها، از جمله آتش زدن اماکن مقدس مثل مساجد، دهکده‌ها، حوزه‌ها و مدارس نیز همراهی کرده‌اند و سخن در این است که حکومت و روحانیت، نسبت به این قشر از مردم که تعداد آنان کم هم نیست، مسئول است و این پرسش جدی در باره آن مطرح است که روحانیت تشییه، به عنوان وارثان ائمه اطهار(ع) در چهل سال گذشته چه کرده است که اینک برخی از شهروندان مسلمان این رمز بوم، با اغتشاش‌گران معاند در تخریب اماکن مذهبی همراهی می‌کنند؟ براساس برخی اخبار غیر رسمی و باور نکردنی، بسیاری از بازداشت شدگان جوانان و نوجوانان زیر بیست سال هستند که در طول عمر خود حتی یکبار هم مواجهه مستقیم با یک طلیه و روحانی نداشته‌اند و هیچ طلیه‌ای هم با آنان ارتباط مستقیم برقرار نکرده و حرف همدیگر را نشنیده‌اند! عجیب است اما واقعیت دارد که حتی در شهر قم نیز چنین اتفاقی رخ داده است که برخی نوجوانان دستگیر شده تاکنون با یک طلیه هم کلام نشده‌اند! براسای روحانیت در این نزدیک به نیم قرن چه می‌کرده است که فرصت ارتباط با این نوجوانان را نداشته است؟ آیا غیر از این است که ما رسالت اصلی خود را رها کرده و مشغول کارهای غیر ضرور بوده‌ایم؟و از این طریق صف خود را در مردم عادی جدا کردیم؟! اساساً مگر روحانیت، وظیفه‌ای غیر از این دارد که با مردم و همراه مردم برای رسیدن به خوبی‌ها، خوشبختی، سعادت و قرب به خدا باشد؟. و مگر غیر از این است که انقلاب اسلامی از همین ارتباط تنگاتنگ روحانیت با مردم رخ داده است؟ از این رو، روحانیت نه تنها باید از قبل صدای متذکران و معترضان را می‌شنید و آن را چاره می‌کرد، بلکه الآن هم باید با فوریت صدای آنان را بشنود و مانند یک پدر دلسو، راهنمای مردم و جوانان، و همراه و همدرد آنان باشد. روشن است که اگر روحانیت از اول انقلاب مثل پیش از انقلاب، همراه مردم در مطالبات به حق و در چارچوب قانون بود، امروز به این درد گرفتار نمی‌شد اکنون نیز اگر چه دیر است اما ممکن است که روحانیت با همدلی با مردم معترض نه افراد اغتشاش‌گر، آب را به جوی برگرداند و با شنیده حرف مردم، به ویژه جوانان، رسالت تاریخی خود را عمل کند و اگر نتجند در تمام تاریخ شرمندۀ این مردمی خواهد بود که در تمام صحنه‌ها و حوادث دهه‌های اخیر همراه و پشتیبان روحانیت بودند و در جمهوری اسلامی هم تاجای ممکن بر ناملایمات صبر کردند و دم فرو بردند. حال که برخی از مردم رنجور از ناملایمات، در برابر مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شکنده شدند؛ این روحانیت است که وظیفه دارد سراغ آنان برود و سخنان حق آنان را بشنود و خود زبان مردم برای اعتراض باشد.

۴. نکته بسیار مهم و اساسی هم درباره ارتباط امروز روحانیت با مردم وجود دارد که نباید از آن غفلت کرد. و آن این است که اگر تا دیروز قاطبه روحانیت با وجوهای شرعی متدینان و علاقمندان به روحانیت، خود را اداره می‌کرد، امروزه بخش سازمانی روحانیت امور خود را با بودجه دولتی و مالیات مردم اداره می‌کند و این بودجه‌ها، که قن التاس مسلم است، وظیفه‌ای بخش از روحانیت در برابر مردم را دوچندان می‌کند. راهکار فوری بیرون آمدن از چنین دینی در شرایط ناگوار اقتصادی موجود جامعه این است که بخش رسمی سازمان روحانیت، با تغییر در آرایش سازمانی خود به صورت روشن و علنی اعلام کند که از این پس، خود را از وجوهای شرعی متدینان اداره می‌کند و از بودجه‌های دولتی استفاده نمی‌کند. این کار سترگ، هم روحانیت را از دین عموم مردم خارج می‌کند، هم نشانه همدردی و همراهی با مردم در شرایط بحرّنج فعلی است و هم استقلال مالی خود از حکومت را محفوظ نگه می‌دارد.